

«رازی و ساخت بیمارستان»

آموختنی‌ها

- ۱ بهره‌گیری از نیروی عقل و اندیشه در زندگی
- ۲ ساخت ترکیب جدید با پسوند «گر» و «کار»
- ۳ آشنایی با دانشمند بزرگ ایرانی (محمد بن زکریای رازی)
- ۴ آشنایی با شاعر بزرگ ایران (فردوسی) و نویسنده‌ی کودک و نوجوانان (محمد میرکیایی)
- ۵ توانایی استفاده از دو کلمه‌ی «مخالف» در یک جمله
- ۶ آشنایی با مفعول و راه تشخیص آن



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

- بدو: مخفف، به او
 هوس: آسایش، میل
 برنا: جوان
 گرمابه: حمام
 ازیرا: زیرا که، به دلیل آنکه
 کهن: گذشته، قدیمی
 خرد: دانا، باهوش
 طیب: پزشک
 رهنمای: راهنما
 سرا: خانه

کلمات متضاد

- نزدیک ≠ دور
 خوشحال ≠ ناراحت

کلمات هم خانواده

- طیب، طبیب، مطب، شرط، شرایط، مشروط

- بر فراز: بالای
 کزین: مخفف که از این
 زرگر: طلا ساز
 هوشیاری: از روی عقل
 دلگشایی: آنچه باعث آرامش دل می‌شود
 گرای: معادل نشو، برو
 بلند آوازه: مشهور
 فراخوانند: صدا زد
 گزند: ز
 ناچار: ناگزیر

- سالم = بیمار
 حاضر = غایب
 برنا = نادان
 دانا = شرط

فاسد، فساد

شاید



دانشندان، افرادی هستند که مثل ما زندگی می‌کنند و مثل ما نفس می‌کشند و ... اما آن‌ها یک فرق با ما دارند و آن اینکه در هر موضوع و حادثه‌ای فکر کرده و می‌اندیشند که چرا آن اتفاق رخ داده؟ برای حل مسئله یا مشکل چه باید کرد؟ آن‌ها از قدرت عقل و اندیشه استفاده بسیاری می‌کنند و بالاخره راه‌حلی را پیدا می‌کنند که هیچ‌کس به آن فکر نکرده است، حتی راه‌حل‌هایی بسیار ساده، که پس از ارائه آن ما با خود می‌اندیشیم: چه راحت!

یکی از دانشندان بلند آوازه ایرانی **محمد بن زکریا رازی** بود که با کشف الکل خدمت بزرگی به جامعه پزشکی کرد. او در بغداد به تحصیل علم پرداخت و سپس به ری بازگشت و ریاست بیمارستان آن شهر را به عهده گرفت.

بخوان و بدان



اسم + گَر ← به جا آورنده‌ی کاری

اسم + گار ←

کاربرد پسوند «گر»

درنا: راستی برنا، شغل همسایه‌ی جدید چیست؟

برنا: او با آهن کار می‌کند.

درنا: یعنی چه؟

برنا: با آهن در و پنجره می‌سازد و ...

درنا: پس او «آهنگر» است!

★ پسوند «گر» در آخر بعضی از کلمه‌ها، برای بیان یک شغل به کار می‌رود.

مثال: مسگر یعنی کسی که ظروف مسی را سفید می‌کند. (کسی که با مس کار می‌کند).

آهنگر یعنی کسی که با آهن کار می‌کند.

کاربرد پسوند «گار»

★ پسوند «گار» به معنی به‌جا آورنده، است.

مثال: روزگار به معنی دوره‌ای از زمان است.

آموزگار به معنی کسی که آموزش می‌دهد یا وظیفه‌ی آموزش را به جا می‌آورد.

پروردگار به معنی پرورش دهنده کسی که پرورش می‌دهد.

کلماتی را که در هر درس از نظر شما ارزش املائی دارند را روی کارت بنویس و هر روز مرور کن تا املائی درست آن‌ها را به خاطر بسپاری. می‌توانی در صورت امکان به بررسی کلمه‌های سایر دوستانت پرداز تا به آموخته‌های شما افزوده شود. با توجه به متن درس سوم فعالیت‌های زیر را انجام بده. الف: چهار کلمه که اصلاً نقطه ندارند را بنویس.

کلام مسند هوس سالم



ب: با نشانه‌های به هم ریخته، کلمه‌های مناسب بنویس.



ملاصه

معلوم

طبیب

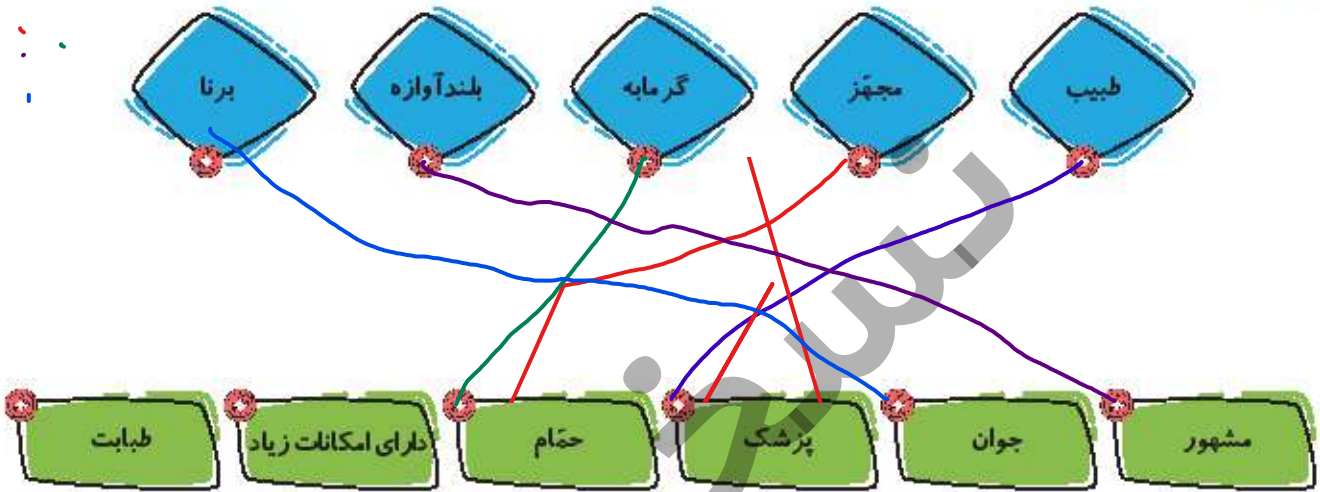
پ: با توجه به متن درس، جدول زیر را کامل کن. (با حروف داده شده از متن درس کلمه پیدا کن)

تعیین	جمع	بعضی	تعجب	ع
سوق	فقط	نقطه	فرشی	ق
شرط	فقط	نقطه	!	ط
زگر	نزد وی	بزرگان رازی	روزگار زگریای	ز



تمرین

۱ کلمات مترادف را به یکدیگر وصل کن. (یک کلمه اضافی است.)



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: بهره‌گیری از دانایی و هوشیاری موفقیت ما را تضمین می‌کند.

ب: محمدبن زکریا، یعنی محمد پدر زکریا

پ: منظور شاعر در بیت سوم: «به وسیله‌ی دانش می‌توانی به قلّه‌های موفقیت برسی و نام تو پر آوازه خواهد شد.»

ت: پیر و برنا، دو کلمه‌ی متضاد هستند.

۳ با توجه به جمله‌های مشخص شده، در جای خالی عبارت یا کلمه‌ی مناسب بنویس.
 پیر مرد مهربان هر صبح کوچه و خیابان را تمییز می‌کرد. سعید گفت: او یک طرازگر است. هر روز که پدرم به مغازه می‌رود تا زرگری طلاسازی کند، با او به گرمی سلام و احوال‌پرسی می‌کند.

۴ برای هر جمله، فعل مناسب را انتخاب کن و بنویس.

الف: بهتر است بیمارستان، نزدیک شهر بشد (باشد- است)

ب: هر کس، مکانی را پیشنهاد می‌کند کرد (می‌شد- می‌کرد)

پ: بزرگان شهر با تعجب به هم نگاه کردند (کردند- می‌کرد)

ت: محمدبن زکریای رازی، پزشک بلندآوازه‌ی ایران بود (بود- باشد)

۵ با دقت بخوان و در جای خالی پاسخ را بنویس.

علی بن جعفر یعنی: علی پسر جعفر

حسین بن علی یعنی: حسین پسر علی

محمد پسر حسن می‌شود: محمد بن حسن

باقر پسر محمد می‌شود: باقر بن محمد

۶ واژه‌های جدیدی با «گار» بساز و جدول را کامل کن.

آموزگار	←	آموز	+
پرورگار	←	پرورده	+
آفریدگار	←	آفریده	+
روزگار	←	روز	+

۷ با توجه به نکته‌ی داده شده، به سوالات پاسخ بده.

مفعول کلمه‌ای است که کاری بر آن واقع شده است. نشانه‌ی مفعول (را) است اما این نشانه همیشه همراه مفعول نیست. گاهی جمله بدون نشانه مفعولی «را» می‌آید، که با معنی کردن جمله می‌توان مفعول واقعی را تشخیص داد. مثال: کتاب را خریدم.



راه تشخیص مفعول: (چه چیز را) یا (چه کسی را) + فعل جمله + ؟

مهدی کتاب خرید. چه چیزی را خرید؟ کتاب را (کتاب: مفعول)

الف: فاعل و مفعول جملات زیر را در جدول بنویس.

مفعول	فاعل	جمله
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۱) طیب بزرگان شهر را نزد خود فراخواند.
<input type="text"/>	<input type="text"/>	۲) تلاش می‌کنیم کارهای خوبی انجام دهیم.

ب: جمله‌ای بنویس که کلمه‌ی «دانشمند» در آن نقش «مفعولی» نداشته باشد.

۸ شعر «خرد رهنمای و خرد دلگشای» را از حفظ بخوان و بیت‌های زیر را کامل کن.

به نام خداوند و کزین ، برگزید

خرد و خرد دلگشای
.....
.....

توانا بود، هر که دانا بود ز دانش ، بود



حالا با توجه به شعر «خرد رهنمای و خرد دلگشای، به سؤالات زیر پاسخ بده.
الف: در بیت دوم و چهارم شعر، کلماتی که آهنگ یکسان دارند را بنویس.

ب: در بیت چهارم چرا همه از دست «نادان» می‌نالند؟

۹ مانند نمونه جدول را کامل کن.

مس	+	گر	←	مسگر	کسی که ظروف مسی را بشوید می‌کند.
	+		←		
	+		←		

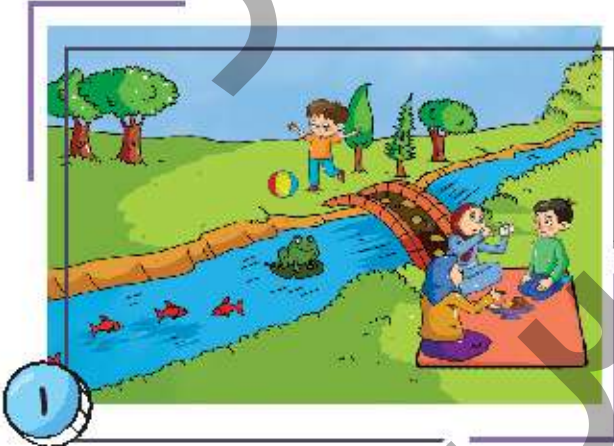
حالا با دو واژه جدیدی که ساختی، یک جمله بنویس.

جمله

۱۰ یکی از موضوع‌ها را انتخاب کن و درباره‌ی آن خاطره‌ای بنویس.

تذکره: در نوشتن خاطره به زمان و مکان شخصیت توجه کن.

موضوع:



۱



۲



پیتیشن نویسی



با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: با توجه به متن درس، برای جای خالی کلمه‌ی مناسب را انتخاب کن.

هر کس، را پیشنهاد می‌کرد.

(۱) زمانی (۲) مکانی (۳) شهر (۴) بیمارستان

ب: در کدام گزینه املا‌ی صحیح کلمات نوشته نشده است؟

(۱) بلندآوازه، میهن عزیز، موفق (۲) خشکیده، حرفعا، سرانجام

(۳) فراخاند، حرس خوردن، خوشکیده (۴) طیبب، جمع آوری، می خواست

پ: کدام گزینه درست نیست؟

(۱) زرگر، رفتگر، تماشگر (۲) کارگر، آفریدگر، روزگار

(۳) مسگر، روزگار، کارگر (۴) آفریدگار، خواستگار، برزگر

ت: منظور شاعر از «بلند شدن به وسیله‌ی دانش، در بیت زیر چیست؟

«به دانش گسرای و بدو شو بلند / چو خواهی که از بد نیابی گزند»

(۱) از جا برخاستن (۲) بیدار شدن (۳) ثروتمند شدن (۴) ارج و ارزش یافتن

خوانش و پردازش

متن را بخوان و به سؤالات پاسخ بده:

پسر بچه هر روز با شور و هیجان خاصی در پارک می‌دوید و ورزش می‌کرد. تا اینکه روز مسابقه‌ی «دو» فرا رسید. از بین جمعیت شرکت کننده فقط این پسر بچه قهرمان شد. رو خوب پیروزی، طعم شیرینی دارد.

الف: ضرب‌المثل مربوط به داستان را بنویس.

ب: چرا پسر بچه هر روز با شور و هیجان خاصی می‌دوید؟

پ: شما برای پیروزی در مسابقات چه می‌کنید؟

ت: هم‌معنی کلمات «ویژه، مزه، تنها، را به ترتیب از متن پیدا کن و بنویس.





فردوسی

حکیم ابوالقاسم حسن بن علی توسی معروف به فردوسی، شاعر حماسه سرای قرن چهارم در توس خراسان زندگی می کرد. فردوسی از همان ابتدای کار



که به کسب علم و دانش می پرداخت. به خواندن داستان هم علاقه داشت و همین علاقه به داستان های کهن بود که او را به فکر به نظم در آوردن شاهکار بزرگش (شاهنامه) انداخت تا زبان فارسی را زنده نگه دارد.



محمد میرکیایی

این نویسنده ی کودک و نوجوان متولد تهران است و حدود ۱۰ سال است سردبیر و نویسنده ی (قصه ی ظهر جمعه رادیو) می باشد. از جمله آثار او مجموعه ی سه جلدی روزی بود و روزی نبود، قصه ی ما همین بود، روز تنهایی من می باشد.

خودارزیابی

نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

- در پیدا کردن کلمه های مناسب برای جای خالی متن ها مهارت دارم.
- با حروف داده شده کلمه ی مناسب می سازم.
- فاعل، مفعول و فعل را تشخیص می دهم.
- به سوال های مختلف پاسخ صحیح و کامل می دهم.
- راجع به موضوعات مختلف می توانم یک بند بنویسم.

